



## سیمای فکری مرگ در بین ساکنین شهری تهران

کتاب «سیمای فکری مرگ در بین ساکنین شهر تهران» نوشته دکتر رضا تسلیمی طهرانی توسط انتشارات نیو منتشر شده است، این کتاب در برگزیده چهار فصل «تحقیق در حوزه جامعه شناسی مرگ و مردن»، «نظریه جامعه شناختی مرگ و مردن»، سیمای مرگ در بین ساکنین شهر تهران، «نتیجه گیری نهایی: مرگ، دین و سبک زندگی» و مشتمل بر ۱۸۹ صفحه است.

به نظر می‌رسد در جامعه‌ی ایران، برخلاف بسیاری از جوامع غربی، مرگ و مردن از حضور اجتماعی گسترده‌ای برخوردار است. شاخص‌ها، نمادها، آیین‌ها و مراسم مختلف مرتبط با مرگ (مانند پارچه نوشته‌شده‌ها، بنرها، آگهی‌های ترحیم، تصاویر درگذشتگان، حمله‌ها، نام و تصاویر شهدا و ...) که در فضای عمومی شهر تهران مشاهده می‌شود می‌تواند بیانگر حضور پررنگ مرگ و حیات عینی آن در شهر تهران باشد. با توجه به این واقعیت، می‌توان پرسید، آیا شاخص‌های عینی ذکر شده در ذهن و فکر شهروندان نیز حضور دارد؟ آیا افراد عادی در موقعیت‌های معمولی و در متن زندگی روزمره خویش به مرگ و مردن فکر می‌کنند؟ آیا آنها به تفکر در مورد مرگ تمایل دارند؟ یا سعی می‌کنند آن را انکار، سرکوب یا فراموش کنند؟ ساکنین شهر تهران در مواجهه با مرگ و مردن یا در هنگام تفکر و سخن گفتن از آن دچار چه احساساتی می‌شوند؟ ساکنین شهر تهران در مورد مرگ و مردن چگونه می‌اندیشند؟ آنها در هنگام تفکر در این مورد از چه منابع فرهنگی استفاده می‌کنند؟ آنها با استفاده از چه راهبردها و استراتژی‌هایی سعی می‌کنند با مرگ و مردن کنار بیایند؟ اندیشیدن به مرگ و مردن چه تأثیری بر زندگی ساکنین شهر تهران دارد؟ و کدام عامل اجتماعی می‌تواند تکثر دیدگاه‌ها و نگرش‌های افراد نسبت به مرگ و مردن را توضیح دهد؟ پاسخ این پرسش‌ها را تنها می‌توان با نفوذ به ذهن کنشگران به دست آورد و این کاری است که پژوهش حاضر سعی در انجام آن داشته است.

در این پژوهش در راستای استفاده از روش نظریه‌ی مبنایی با ۴۰ نفر از ساکنین شهر تهران در نقاط مختلف شهر (شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز) مصاحبه شده است و یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها، کدگذاری، تحلیل و تفسیر گشته‌اند. در مرحله کدگذاری محوری، ۹ نمایشنامه یا پیش‌نویس فرهنگی مشخص شده است که بیانگر نحوه متمایز تفکر افراد در مورد مرگ، احساسات آنها درباره مرگ، شیوه مواجهه افراد با مرگ، استراتژی‌های به کار گرفته شده از سوی آنها در مقابل مرگ و ... است. این نمایشنامه‌ها عبارتند از: مرگ تقدیرگرا، مرگ معادگرا، مرگ شهادت طلبانه، مرگ عرفانی، مرگ تلفیقی، مرگ دنیوی، مرگ پوچ‌گرا/زیباشناختی، مرگ ندانم‌گرا و مرگ ابهام‌گرا.

بر اساس یافته‌های حاصل از کدگذاری انتخابی، مولفه‌های سبک زندگی (مصرف مادی، مصرف فرهنگی و انجام سفرهای داخلی و خارجی زیاد و متنوع) به عنوان شرایط علی نگرش به مرگ در نظر گرفته شده‌اند و نگرش افراد نسبت به مرگ و مردن با توجه به حضور یا عدم حضور این مولفه‌ها تبیین شده است.

بر این اساس، مصاحبه شونده‌گان در نمایشنامه مرگ تقدیرگرا و بخشی از مصاحبه شونده‌گان در نمایشنامه‌های مرگ معادگرا و مرگ شهادت طلبانه به دلیل برخورداری از مصرف مادی و فرهنگی محدود و انجام تعداد ناچیز و غیر متنوع مسافرت‌های داخلی و خارجی، دیدگاه‌های غیربازاندیشانه در مورد

مرگ دارند (دینداری غیر بازاندیشانه). در برابر، مصاحبه شوندگان در سایر نمایشنامه‌ها shy&ها به دلیل برخورداری از میزان بالای مصرف مادی و/یا میزان بالا و متنوع مصرف فرهنگی و یا انجام تعداد زیاد و متنوع مسافرت shy&های داخلی و خارجی از دیدگاه shy&هایی بازاندیشانه در مورد مرگ برخوردارند که طیف وسیعی از اندیشه shy&های دینی، عرفانی، تلفیقی، دنیوی، ندانم‌گرا و ... را در بر می‌گیرد. در اینجا، دینداری افراد از نوع دینداری بازاندیشانه است و فردی شدن دین در بین آنها مشاهده می‌گردد.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد shy&که حضور عینی مرگ در شهر تهران لزوماً با حضور ذهنی آن در اندیشه ساکنینش متناظر نیست. به بیان دیگر، علی‌رغم حضور قدرتمند و همه‌جایی شاخص shy&های به یادآورنده مرگ در شهر تهران و مشاهده‌پذیری آنها، بسیاری از افراد در زندگی روزمره خویش به مرگ نمی‌اندیشند.

یافته shy&های این پژوهش بیش از هر چیز بر تکرر و تنوع دیدگاه shy&های ساکنین شهر تهران در مورد مرگ و پیوند آنها با وضعیت اقتصادی-اجتماعی افراد و سبک زندگی shy&شان تاکید دارد.